



## ممیزی، قصه‌ای قابل حل

(۱)

آیا خواهند گفت: «درود به سلام تغییر یابد»؟

نگاه ما به آثار و متون گذشته چگونه باید باشد. آیا باید یک‌سر واژگان کهن را رها کرد و کلمات جدید جایگزین نمود و آنچه دیگر مهجور و متروک شده، دوباره بر سر زبان‌ها نیندازیم که مردم برای فهم آنها به زحمت بیفتند — هر چند سعدی و حافظ آنها را به کار برده باشند؟ طبعاً باید ره اعتدال را پیمود، هر زبانی مملو از واژگان دخیل از دیگر فرهنگ‌ها و اقوام است. قرآن کریم نیز مشمول این دگرسانی‌هاست. مؤلف کتاب الاتقان فی علوم القرآن بیش از ۱۲۰ واژه فارسی را که در قرآن به کار رفته ذکر کرده و همین‌طور گویش‌ها و زبان‌های دیگر که در قرآن کریم بهره گرفته شده است.

زبان فارسی هم از این قاعده مستثنا نیست. بی شک واژگان بسیاری از فرهنگ‌ها و اقوام بیگانه در فرهنگ و زبان فارسی، همگانی شده و مقبولیت عام یافته و اکنون جزو زبان فارسی به شمار می‌آید، به طوری که می‌گویند حدود ۵۰٪ کلمات رایج در زبان فارسی را کلمات عربی گرفته، ولی نه الزاماً در مفهوم عربی آن. مثلاً به کارمند در فارسی می‌گوییم: مستخدم، در حالی که عرب می‌گوید: مستخدم. یا عرب به

سلايق و مشارب زبانی افراد بخصوص بعض اهل ادب که سره‌گرایی را در گفتار و نوشتار خود، زبان معیارشان قرار داده اند، متفاوت است. جمعی به زعم خود به تقلید از فردوسی، به جز کلمات فارسی در بیان و قلم و کتابشان، به کار نمی‌برند و سخن و شعر امثال انوری و بیهقی و سنایی و خاقانی و نظامی و عطار و مولوی و سعدی و حافظ و جامی و صدها نویسنده و شاعر دیگر را که ۳۰٪ تا ۶۰٪ آثارشان مشتمل بر واژگان عربی است و بعضاً فارسی (مفرس) شده، نادیده می‌انگارند.

زبان‌سازان!

به اینان سلام که می‌کنی، می‌گویند: «درود!» و وقتی خداحافظی می‌کنی، جواب می‌دهند: «بدرود!» البته از آن حیث که لابد سلام اشکال دارد! بحث ما این نیست که این نگره و این سره‌گرایی خوب است یا نه؛ سخن بر سر این است که

«انقلاب» می‌گوید: «کودتا» و ما به مفهوم رایج به کار می‌بریم. همین موضوع در کلمات رایج فارسی دری و یا تاجیکی یا ترکی نیز مصداق دارد. مثلاً در فارسی دری که افغانستانی‌ها به کار می‌برند، تعبیر «غلط کرد»، یعنی «اشتباه کرد» در حالی که در فارسی معنای منفی دارد. در ترکی به بیمارستان می‌گویند: خسته‌خانه (خسته‌خانه) و قس علی هذا. روزی از یک عضو برجسته فرهنگستان پرسیدم: «چرا در صفحه اول مجله نامه فرهنگستان به جای واژه «کد» شناسه نمی‌گذارید؟» پاسخ داد: «این واژه مشهور شده و فرهنگستان آن را جزء کلمات مقبولیت یافته می‌داند، مثل رادیو، تلویزیون، تلفن و ...» اما آنچه نامقبول و غیر متعارف است، این که از باب «قلیل من عبادی الشکور»، عده‌ای سر خود با واژه‌سازی و برابر‌گذاری، زَنار بدعت به میان بر بسته و برخلاف آیین‌نامه‌های فرهنگستان زبان، زبان معیار را فرو گذاشته و زبان من‌راوردی‌شان را معیار انگاشته و بر وفق آن می‌نویسند و سخن می‌گویند و قلیلی هم با «به به و چه چه» تأییدشان می‌کنند.

مرکز تحقیقات طب سنتی ایران منتشر خواهد شد... به هر روی آنان می‌زنند و انجام وظیفه می‌کنند. از سویی قانونی هم نیست که لااقل، متخصصان و صاحب نظران و مراکز علمی و پژوهشی شناخته شده مثل مؤسسه آل‌البیت در قم، مرکز شیعه‌شناسی، انتشارات دانشگاه‌ها، مؤسسه حکمت و فلسفه، پژوهشگاه علوم انسانی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دانشنامه جهان اسلام و ... را از این نوع داوری‌های غیر تخصصی مستثنا کند. «کم من فته» که از وضع نامطلوب موجود با این ناچیز درد دل می‌کنند و می‌گویند «اشفع لنا عند الناس» و بنده هم گاه به رجا اجابت دعا، پیامکی از باب «و ما رمیت اذ رمیت» روانه می‌کنم به این امید که «و ان اصاب فلی اجران» ولی اگر سخن ما سودی نکرد، به همان اجر و پاداش واحد یعنی کوشش بی‌ثمر برای قصد خیر، کفایت می‌کنیم و به این شعر حافظ تفأل می‌جوییم که:

حافظ وظیفه تو دعا کردن است و بس  
در بند آن مباش که نشنید یا شنید

## داوران سرگردان!

حال اگر اهل زبان و ادب، دمی دعوی فرهنگستانی را کناری بنهند، خواهند دید که در جای دیگری در این مرز و بوم، بر سر همین کلمات دعوی دیگری به راه افتاده است. مرادم گروهی است که برای کلمات وزن و متر تعیین می‌کنند و چوب تعزیر بر کتبی می‌زنند که مؤلفانشان با درج این کلمات قبیحه، اسباب مفسده و منقصت جامعه را فراهم آورده‌اند. گویا اینان مأمورند و بر مسند تمیز امور کتاب، مأجور؛ و برگه صلاحیت نشر هر کتاب، از ید با کفایت آنان مأذون. برای اینان تفاوت نمی‌کند که بدانند یا نه که این کتاب فلسفه را فلان متخصص فلسفه مانند دکتر اعوانی رئیس سابق انجمن حکمت و فلسفه نوشته و یا کارشناس ادبیات و شعر مانند استاد محمد قهرمان آن متن را تصحیح کرده و یا مثلاً بهمان دانشمند برجسته چهره ماندگار در جغرافیا آن اطلس را تألیف کرده است! گاه کاری ندارند به این که این کتاب، یک متن کهن طبری است که مثلاً محمد بن زکریای رازی (قرن ۳) نوشته و قرار است با مشارکت دانشگاه شهید بهشتی چاپ شود یا اثری است از علی بن ربیع طبری (قرن ۳) که با همکاری

## (۲)

### تغییر کلمه یا ممیزی اندیشه فاسد؟!

آیا به جز مسائل و مطالب تفرقه‌افکن و فسادآور و مطالبی از این سنخ، می‌توان اعمال سلیقه کرد و از ناشر خواست که فلان عبارت یا کلمه را از کتاب خود بردارد، که بعد معلوم می‌شود که اتفاقاً آن مطلب نقل قولی، مثلاً، از تاریخ بیهقی بوده است. کدام قانون گفته که مثلاً عبارت «به رقص آمدند» از فلان کتاب حذف شود و بعد معلوم می‌شود در کتاب «کوهها به رقص آمده‌اند» بوده است. آیا می‌شود از کتاب الحاوی محمد بن زکریای رازی کلمات شراب و مشروب و خوک و ... را حذف کرد؟ یا جلوی فلان دانشنامه را بگیرند که چرا درباره فلان عالم چند خط ولی درباره بهمان دانشمند ۵۰ خط آورده‌اید؟! آن وقت کتابی چاپ می‌شود که کرامات عدیده‌ای برای یکی از بزرگان معاصر بر شمرده از جمله این که وی از قافله عقب ماند دعا کرد، شیری آمد سوارش شد، به سرعت رفت زودتر به مقصد رسید. آیا نشر این مطالب به گسترش فرهنگ و اخلاق و تقوای دینی جوانان کمک می‌کند؟ از سوی دیگر شاهد اعمال سلاخی دیگری هستیم که



درج نموده، یا مثل کتاب سفرنامه‌های فارسی در حواشی و تعلیقات، تبلیغ یهودیت و صهیونیسم کرده... پس چرا این همه مطالب نامربوط تبلیغاتی از چشم ممیزان ارشاد در رفته است؟ روزی کتابی چاپ شد و خیلی زود هم جمع شد. فرستادم برایم تهیه کردند. صفحه اول را که خواندم گفتم: اگر ناشر کتاب فقط مقدمه را خوانده بود و ذره‌ای از اخلاق و بصیرت و روشنگری بو برده بود، این کتاب را چاپ نمی‌کرد؛ به شرح ایضاً اگر مترجم آن هم از جماعت کبکیان نبود و می‌دانست کجا می‌زید و احتمال می‌داد این اثر روزی به دست دختر یا پسرش هم خواهد افتاد، آن را ترجمه نمی‌کرد مگر آن که شرم و حیا را سه‌طلاقه کرده باشد.

### (۳)

#### گره و گرفتاری کجاست؟

پس ما گرفتار پدیدآوردگانی هستیم که قوانین فرهنگی کشور را رعایت نمی‌کنند و آنچه دل تنگشان می‌خواهد در لابه‌لای کتاب می‌گنجانند. نیز مبتلا به ناشرانی هستیم که خود مرتکب انتحال و پخته‌خواری هستند و کتاب بزرگان را به نام خود چاپ می‌کنند، نه ناقدی را می‌رسد که نقدشان کند و نه ممیزی می‌فهمد و می‌داند که این فرد ناشر، مثلاً کتاب علامه قزوینی یا... را - کریمانه - به نام خود کرده است، و کسی هم متوجه این مقوله نمی‌شود. با این حال سزاست که ناشران، نخست خود، کتاب را بررسی و داوری و ممیزی کنند تا ندانسته و ناخواسته، اثری را چاپ نکنند که موجب ترویج فحشا شده یا چنانچه گذشت عامل تبلیغ صهیونیسم و... شوند. همین بی‌مسئولیتی این دست ناشران است که زمینه اتهام و ایهام در کار نشر را فراهم می‌کنند. با این حال خدای را سپاس که هنوز دردمندان گوشه‌نشینی هستند که بسا از راه قلم، روزی خواری و به امید اصلاح ذات‌البین، کتابی و اثری یا کار نویسنده و ناشری را نقد می‌کنند و چشم دارند که شاید چشمانی گشاده و گره‌هایی گشوده و دایره تنگ‌نظری‌ها و سختگیری‌های نابجا فراچیده شود و جای خود را به بصیرت و آگاهی دهد.

#### چاره چیست؟

ما در شرایطی هستیم که گاه سلاطین افراد حاکم است نه مفاد

با هیچ منطقی جور در نمی‌آید. متأسفانه اخیراً در برگه‌ای دیدم که شخص ممیزی به ناشر گفته بود: در تمام کتاب کلمه «درو» به «سلام» تغییر یابد! اینجاست که مشکل فرهنگستان زبان و ادب فارسی دوچندان می‌شود که هم باید با این نگرش‌های جدید به واژگان کهن فارسی مقابله کند، و هم باید چاره‌ای برای کلمات فارسی مهجور اما مستعمل در گفتار و نوشتار قلیلی از اهل ادب بکند که از زبان معیار فاصله گرفته اند و بر کج‌راهه می‌تازند و هم با کسانی که از کلمات خودساخته و برساخته بهره می‌گیرند و داعیه سره‌گرایی دارند؛ لذا باید نگذارد آنان بدعتی نو بگذارند و به هرچ و مرج زبانی دامن زنند.

حال به این دوست عزیز عرض می‌کنم که: برادر من! مگر «درو» چه عیبی و قبحی یافته که باید به «سلام» تبدیل شود؟ البته درست است که سلام در فرهنگ اسلامی ما، مشروعیت و مقبولیت بیشتری دارد، اما عزیز من! می‌دانی اگر این دایره ممیزی را این قدر تنگ کنیم، دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. بنگر که چه زیبا سروده است فردوسی حکیم:

زیزدان و از ما بر آن کس درود

که تارش خرد باشد و داد، پود

فردوسی حکیم ۱۰۰۰ سال پیش به ما و برادران ما پند می‌دهد که: درود خدا بر کسی باد که تار و پود جاننش، عقل و داد باشد. ملاک انسانیت به خرد و انصاف است که هر حسن و قبحی را با آن می‌سنجند نه به پوسته و لفظ و ظاهر.

#### کتاب مخرب را اجازه ندهید

روزی نقدی در مجله آینه پژوهش چاپ شد به گمانم این عنوان را داشت: «تصحیح سفرنامه‌های خطی فارسی یا ترویج صهیونیسم؟» طبعاً یک بررسی (بررسی‌کننده) و داور اداری معمولی که فکر و ذهنش دنبال یافتن کلمات رقص و شراب و... است، قادر به فهم و فحص آنچه ناقد بدان دست یافته بود، نیست. چه این‌گونه الفاظ غیر رکیک، نه باعث فساد و فحشا می‌شوند و نه موجب فروش بیشتر کتاب؛ و بی شک در نقد هم هیچ ناقدی وقت خود را صرف آن نمی‌کند که چرا در این کتاب چنین الفاظی به کار رفته، بلکه توجه خود را به محتوای کتاب معطوف می‌نماید که چرا مثلاً نویسنده در مقدمه، رعایت اخلاق حرفه‌ای را نکرده و فلان مطالب را دزدیده و منبع را

و منطوق قانون، خروجی این سلايق همان است که بالا جملاً گفته شد. سال هاست که چنین است. اکنون چند پیشنهاد و راه حل، ممکن است گره‌گشای کار اهل تمییز باشد؛ خواه ازین سخنان پند گیرند و خواه ملال:

۱. مراکز علمی و پژوهشی، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، و ... از ممیزی استثنا شده، در قبال هر شکایتی خود پاسخگوی منشوراتشان باشند.

۲. ناشرانی که دست کم در سال ۲۰ عنوان کتاب غیر مردود منتشر می‌کنند، یک سال از ممیزی معاف شوند.

۳. ناشرانی که هر سال کتاب آنها برنده جایزه می‌شود، یک سال از ممیزی معاف شوند.

۴. مؤسساتی که نشریات نقد کتاب دارند و مروج فرهنگ نقد کتاب هستند، از ممیزی معاف شوند.

۵. از ناشرانی که در سال بیش از ۲۰٪ کتاب‌های مردود دارند (یعنی در نشر کتاب‌های خود دقت ندارند) کتاب خریده نشود.

۶. ناشران مسئولیت‌پذیری که در سال کتاب مردود ندارند، خرید از آنها دو برابر شود.

۷. ناشرانی که کتابسازی می‌کنند، و ناشرانی که بهای پشت جلد را بیش از حد متعارف درج می‌کنند و یا کار جدید چاپ نمی‌کنند و فقط کارشان تجدید چاپ کارهای مؤلفانی است که ۳۰ سال از فوتشان گذشته است، از امتیاز خرید کتاب و اعطای مجوز نشر محروم شوند.

۸. پدیدآورندگانی که یک معرفی از اثر خود در نشریه یا پایگاه اینترنتی درج می‌کنند و ناشر هم اثر را به کارشناس موضوع کتاب می‌دهد و از او تأییدیه می‌گیرد، بهتر است از ممیزی معاف شوند.

و قس علی هذا. با شیوه‌هایی از این دست، می‌توان راه را برای سرعت بخشیدن به نشر، مسئولیت‌پذیری ناشر و مؤلف، آگاه‌سازی جامعه نسبت به نشر، حرکت به سوی حذف مهندسی‌شده ممیزی سلیقه‌ای پرماجرا هموار کرد. اگر در طول ۴ سال راه‌های فوق درست پیموده شود، می‌توان مسئولیت نشر را مانند قانون مطبوعات بر عهده ناشر و مؤلف انداخت. یعنی ناشر خود باید در برابر نشر اثر پاسخگو باشد. در

این مورد آیین‌نامه نشر با همکاری ناشران بازرگاری و در اختیار همه قرار گیرد تا خود مجری و داور آن باشند یا مثلاً سازمانی غیردولتی، به طور تصادفی و موردی، بررسی کتب ناشرانی را که در مظان تردید و اتهام هستند، عهده‌دار شود. هم ایشان شکایات مردمی را با نظرات علمی، حقوقی و کارشناسی داوری می‌کنند و اگر روا دانسته شد، به محاکم قضایی ارجاع دهند.

در این صورت نشر در کشور رونق بسزا می‌یابد، میلیاردها بودجه و سرمایه صرفه‌جویی می‌شود و بدگویی‌ها و سوءظن‌ها و اتهامات تا حد زیادی بی‌اساس می‌گردد.

در اینجا حسن ختام سخنم را فرمایش مقام معظم رهبری در باره موضوع ممیزی کتاب قرار می‌دهم:

«ممیزی کتاب ... کار بسیار مهمی است... و دو مبنا وجود دارد که واقعاً باید انتخاب کرد. البته از نظر من مطلب روشن است؛ با این تفکر که نویسنده حق دارد حرف خودش را به گوش مخاطبان برساند و اگر شما ناراحتید، بروید به مخاطب بگویید که نخواند یا کتاب ضد این حرف را منتشر کنید که مثلاً گمراه نشود. من که نویسنده هستم، حقم این است که وقتی این کتاب را نوشتم، به هر کس که می‌خواهم، بدهم یا هر کسی که می‌خواهد، بخواند.

مبنای مقابل این آن است که می‌گوید وقتی دستگاهی - به غیر دولت - امور مردم را متکفل و متحمل شده است، مسئولیت دارد که نگذارد فساد به جسم و جان مردم نفوذ کند. البته من اعتقاد ندارم که بایستی هر چیزی را که به سلیقه خاص مضر به نظر می‌رسد، جلویش را بگیریم؛ لیکن چیزهایی هست که واضح است برای مردم مضر است؛ مثل ترویج فحشا و ترویج فساد و از این قبیل. اینها را نبایستی اجازه بدهند که نشر بشود، اما بیشتر بایستی تلاش کنند تا کتاب‌های خوب تولید و پخش بشود.»

(کتاب و کتابخوانی در آیین ره‌نمودهای مقام معظم رهبری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: چ ۱۳۷۷، ش ۱، صص ۱۶۳ و ۱۶۴).

سردبیر



## «شیوه‌نامه نگارش مقدمه برای چاپ نسخه‌برگردان»

نسخه‌ها، با موافقت مرکز می‌توان بخش‌های دیگری را به مقدمه افزود.

در زیر به سرفصل‌های ضروری برای درج در مقدمه اشاره شده است:

**۱. پرداختن به مؤلف:** در این بخش به آگاهی‌های اصلی درباره مؤلف پرداخته خواهد شد. اگر نوشته‌هایی درباره مؤلف به صورت تک‌نگاری‌های سودمند در قالب کتاب یا مقاله موجود باشد، درباره زندگی مؤلف با رویکرد به متن یا نسخه مورد نظر، حداکثر در ۵۰۰ کلمه پرداخته شده و برای آگاهی‌های بیشتر به آن منابع ارجاع داده خواهد شد. درباره مؤلفان ناشناخته یا کم‌تر شناخته‌شده می‌توان این بخش را افزایش داد. آگاهی‌های اصلی مورد نیاز به قرار زیر است:

أ. نام مؤلف

ب. دوره زندگی مؤلف

ت. تخصص مؤلف در دانش مرتبط با نسخه.

ث. آثار مؤلف: در این بخش در صورت لزوم به آثاری از مؤلف پرداخته خواهد شد که مرتبط با موضوع نسخه باشند و از پرداختن به دیگر آثار مؤلف خودداری خواهد شد.

**۲. پرداختن به اثر:** در این بخش آگاهی‌های اصلی درباره اثر و همچنین جایگاه و ارزش آن در میان دیگر آثار آن دانش/هنر پرداخته خواهد شد.

أ. نام اثر.

ب. زمان نگارش اثر (در صورت مشخص بودن) یا محدوده تقریبی آن.

ت. مهدی‌الیه (در صورت مشخص بودن) به‌ویژه آن‌گاه که در تشخیص تاریخ تألیف اثر مؤثر باشد.

ث. موضوع اثر: اگر اثر موضوع کم‌تر شناخته‌شده‌ای داشته باشد که ارائه آگاهی درباره آن ضروری بنماید، با تفصیل بیشتری بدان پرداخته خواهد شد؛ اما اگر اثر دارای موضوعی شناخته‌شده مثلاً جنبه‌های عمومی ادبیات باشد درباره آن به اختصار گفتگو می‌شود.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب برای روش‌مند کردن نگارش مقدمه برای مجموعه نسخه‌برگردان خود به تدوین شیوه‌نامه‌ای پرداخته است. هدف از تدوین این شیوه‌نامه ترسیم ساختار کلی مقدمه نسخه‌برگردان‌هاست به گونه‌ای که مطالب ضرور در مقدمه هر اثر بیاید و از پرداختن به مطالب غیرضرور جلوگیری شود.

سرفصل‌هایی که در این شیوه‌نامه بدانها اشاره شده شامل موضوعاتی است که در صورت لزوم می‌باید بدانها پرداخت اما ضرورتی ندارد که حتماً فصلی جداگانه بدانها اختصاص یابد. حتی در صورتی که پرداختن به برخی از این سرفصل‌ها نیاز به تفصیل نداشته باشد می‌توان در خلال دیگر بخش‌ها بدانها پرداخت یا چند بخش را با یکدیگر ادغام کرد.

ترتیبی که برای سرفصل‌ها تنظیم شده، ترتیبی است که در حالت کلی کارآمد است اما در صورت لزوم و بسته به مورد می‌توان این سرفصل‌ها را با ترتیبی مناسب‌تر تنظیم کرد.

مهم‌ترین شرط برای نگارش هر کدام از بخش‌های مقدمه آن است که مطالب با متن و نسخه مورد نظر ارتباط مستقیم داشته باشد.

در نگارش مقدمه تأکید بر ویژگی/ویژگی‌های اصلی نسخه‌ای است که به چاپ می‌رسد. بنابراین اگر نسخه از دیدگاه متنی مورد توجه است، به بخش متن‌شناسی آن بیشتر پرداخته خواهد شد. اما در زمینه نسخه‌هایی که متن اثر به صورت مطلوبی مورد تصحیح و پژوهش قرار گرفته و چاپ نسخه‌برگردان نسخه صرفاً به دلیل سندیت و ارزشمندی آن — از دیدگاه‌های مذهبی یا تمدنی صورت گرفته، تأکید عمده مقدمه بر سندیت و ارزش نسخه خواهد بود. همچنین در نسخه‌هایی که به دلیل معیارهای هنری برای چاپ برگزیده شده‌اند و متن آن‌ها مورد توجه چندانی نیست، به آگاهی‌های متن‌شناسی با اختصار پرداخته خواهد شد و بخش اصلی مقدمه به ویژگی‌های هنری نسخه اختصاص خواهد یافت.

در صورت لزوم و با توجه به شرایط ویژه برخی از آثار و



ج. پیوستگی‌های اثر: این بخش دربارهٔ آثاری کاربرد دارد که شرح، حاشیه، تلخیص و یا ترجمهٔ اثری دیگر باشند. در این گونه موارد دربارهٔ متن اصلی و ارتباط اثر با آن گفت‌وگو خواهد شد.

ح. آثار وابسته: این بخش به آثاری اختصاص می‌یابد که بعدها بر پایهٔ اثر مورد نظر در قالب شرح، حاشیه، ترجمه، تلخیص و... نوشته شده باشند. در این زمینه به اختصار گفت‌وگو خواهد شد مگر این که آن آثار وابسته توسط مؤلف اثر نوشته شده باشد. خ. ویژگی‌ها و ارزشمندی‌های متن یا دستنویسی که به صورت نسخه‌برگردان منتشر می‌شود: در این بخش به ویژگی‌هایی اشاره خواهد شد که موجب شده است تا اثر/نسخه برای چاپ نسخه‌برگردان مناسب تشخیص داده شود. برای نمونه ارزش‌های متنی اثر از دیدگاه فرهنگ اسلامی و ایرانی، زبان فارسی و... همین گونه است منحصر به فرد بودن یا اصل (به خط مؤلف) بودن نسخه و همچنین کهن یا مضبوط بودن دستنویس اثر نسبت به دیگر دستنویس‌ها یا احتوای نسخه بر یادداشت‌ها و حواشی ارزشمند.

د. ارزش اثر در میان آثار مشابه: در صورتی که اثر به دلیل ارزشمندی در میان آثار مشابه منتشر می‌شود لازم است که این بخش با دقت و تفصیل بیشتر تهیه شود اما اگر ارزش‌هایی چون ارزش رسم‌الخط یا ویژگی هنری نسخه مد نظر بوده، این بخش به صورت کوتاه تنظیم شده، یا حذف خواهد شد.

ذ. اختلافات نسخه مورد نظر با دیگر نسخه‌ها و چاپ‌های احتمالی اثر: این بخش برای نسخه‌هایی تنظیم می‌شود که مربوط به تحریرهای دیگری از یک اثر بوده و یا افزوده‌ها و جابه‌جایی‌هایی نسبت به دیگر نسخه‌ها یا چاپ‌های اثر داشته باشند.

۳. **برافزوده‌های متن‌شناسی:** در این بخش به برافزوده‌های متن‌شناسانه‌ای پرداخته خواهد شد که ویژهٔ دستنویس مورد نظر بوده و به گونه‌ای با متن اثر و تعیین درستی آن مرتبط باشند. این برافزوده‌ها از قبیل یادداشت‌ها و حواشی تشریحی یا تکمیلی دانشمندان بر نسخه و همچنین سماع یا مقابله شدن نسخه خواهد بود. گواهی‌های سماع یا قرائت و آگاهی‌هایی از این دست در این بخش بررسی خواهد شد.

۴. **اطلاعات پایهٔ نسخه‌شناسی:** در این بخش آگاهی‌های اصلی دربارهٔ نسخه‌ای که به چاپ می‌رسد درج خواهد شد.

این آگاهی‌ها از قبیل: جای نگهداری نسخه، شمارهٔ نسخه، تاریخ کتابت (با نقل انجامه)، نام کاتب، نوع خط، شمار برگ‌ها، اندازه‌های نسخه و مواردی از این دست خواهند بود. همین گونه است افتادگی‌های نسخه و یا جابه‌جایی‌های آن که در صورت لزوم در این بخش بدان پرداخته خواهد شد. پرداختن به آگاهی‌های تخصصی نسخه‌شناسی در صورتی ضروری است که نسخه به دلیل ویژگی‌های نسخه‌شناسی یا ارزش هنری منتشر شود. در این صورت اگر نیاز باشد می‌توان این بخش را به صورت جداگانه در کالبد یک «مقدمهٔ نسخه‌شناسانه» تنظیم نموده و به چاپ رسانید.

۵. **برافزوده‌های نسخه‌شناسی:** در این بخش به آن دسته از برافزوده‌های نسخه پرداخته خواهد شد که صرفاً از دیدگاه نسخه‌شناسی می‌توان بدانها توجه کرد و ارتباطی به متن‌شناسی اثر نداشته باشند. یادداشت‌های مالکیت، یادداشت‌های وقف، یادداشت‌های تاریخی متفرقه، مهرها و مواردی از این دست در این بخش مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۶. **استخراج سرفصل‌های نسخه:** سرفصل‌های نسخه عمدتاً برای درج در آغاز چاپ نسخه‌برگردان با اشاره به صفحهٔ مربوطه در نسخه استخراج می‌شود. در متونی که دارای سرفصل‌های فراوانی بوده و پرداختن به همهٔ سرفصل‌ها ضرورت اساسی نداشته باشد صرفاً به استخراج سرفصل‌های اصلی پرداخته خواهد شد. دربارهٔ متونی که در آن‌ها سرفصل‌های مشخصی توسط مؤلف ایجاد نشده باشد می‌توان با توجه به موضوعات متن، این گونه بخش‌بندی‌ها را ایجاد کرد. این کار آن‌گاه انجام می‌شود که تهیهٔ سرفصل‌ها ضروری باشد.

۷. **پیوست‌ها:** در چاپ نسخه‌برگردان برخی متون/نسخه‌ها نیاز هست تا پیشینهٔ پژوهش‌ها دربارهٔ آن اثر در دسترس باشد؛ یا ارائهٔ منابع و اسناد مرتبط با موضوع، ضروری تشخیص داده شود. برای نمونه مقالات کهن و کم‌یابی که دربارهٔ اثر/نسخه نوشته شده؛ یا مقالات فرنگی که نیاز به ترجمه دارد. این موارد به صورت پیوست به چاپ نسخه‌برگردان افزوده خواهد شد. اهمیت درج این پیوست‌ها باید به تأیید مرکز برسد.

۸. **نمایه‌ها:** استخراج نمایه‌ها در صورتی ضروری است که تهیهٔ نمایه در اثر ضروری بوده و در عین حال تهیهٔ آن‌ها از دیدگاه زمانی کار را بیش از اندازه به تأخیر نیندازد. متونی که پیش‌تر چاپ شده و آن چاپ‌ها دارای نمایه‌های مطلوب باشد

می‌توان شماره صفحات متن چاپی را در حاشیه نسخه برگردان درج، از نمایه‌های آن چاپ‌ها برای نسخه برگردان استفاده کرد.

### استانداردهای فنی

مهم‌ترین معیار که در چاپ نسخه برگردان دستنویس‌ها باید مورد توجه قرار گیرد مطابقت نسخه چاپ‌شده با اصل دستنویس است. به همین دلیل عواملی چون کیفیت خوب عکس‌برداری و استفاده از امکانات چاپی مناسب در این زمینه اهمیت بسیار دارد.

**۱. عکس‌برداری از نسخه:** برای این کار در صورت امکان اسکنی مسطح از نسخه تهیه می‌شود و اگر تهیه اسکن موجب آسیب‌دیدگی نسخه شود از شیوه عکاسی استفاده می‌شود. در شیوه اخیر الذکر بایسته است تا فاصله دوربین در عکسبرداری صفحات تغییری نکند. همچنین نورپردازی نسخه باید از آغاز تا پایان عکس‌برداری تغییری نداشته باشد. ضمناً نورپردازی نسخه باید به گونه‌ای باشد که رنگ صفحات تا جای ممکن با اصل نسخه مطابقت داشته باشد.

**۲. مطابقت اندازه‌ها:** یکی از معیارهای مهم در چاپ نسخه برگردان، مطابقت اندازه‌های متن چاپ‌شده با اصل نسخه است که باید تا جای ممکن رعایت شود. این اندازه‌ها در صورت امکان با اندازه‌گیری دقیق نسخه انجام شده و در غیر این صورت از روی مشخصات نسخه مورد نظر در فهرست کتابخانه نگهدارنده تعیین می‌شود. در صورتی که نسخه به اندازه واقعی به چاپ می‌رسد، روی جلد عبارت «مطابق با اصل نسخه» درج خواهد شد وگرنه این عبارت از روی جلد حذف شده، در مقدمه کتاب و صفحه پیش از متن نسخه اشاره خواهد شد که اندازه‌ها چه تغییری کرده است.

در چاپ نسخه برگردان بایسته است تا از تغییر اندازه‌ها خودداری شود مگر در مواردی که به دلایل فنی نتوان نسخه را دقیقاً به اندازه اصلی چاپ کرد. در این صورت اندازه صفحات با رعایت ابعاد صفحات، چند درصد کوچک یا بزرگ خواهد

شد. این کار تا اندازه‌ای مجاز است که خوانایی نسخه از میان نرود.

**تبصره:** در نسخه‌هایی که تصویر تمام صفحه آن‌ها در دسترس نیست، معیار برابری اندازه‌های نسخه با چاپ، طول و عرض بخش نوشته شده است.

**۳. انطباق رو و پشت برگه چاپی با اصل نسخه:** توجه به انطباق رو و پشت برگه از جمله مواردی است که باید در آن دقت شود تا چاپ نسخه برگردان از دیدگاه ترتیب و جایگاه صفحات، مطابق نسخه باشد. این انطباق بدین دلیل لازم است که در صفحات چاپی، شماره برگه‌ها نیز به صورت رو و پشت درج می‌شود.

**۴. شمارش گرہا:** در چاپ‌های نسخه برگردان مرکز پژوهشی میراث مکتوب دو شمارش‌گر بر هر صفحه درج می‌شود:

**أ. برگ‌شمار:** این شماره مربوط به برگه‌های نسخه است که به هر کدام از رو و پشت هر کدام از برگه‌ها اختصاص می‌یابد. کاربرد این شیوه بدین دلیل است که در بسیاری از مجموعه‌های دارنده نسخه‌های خطی، از این شیوه شماره‌گذاری استفاده می‌شود و این شیوه به عنوان شیوه‌ای استاندارد در برگ‌شماری نسخه‌ها پذیرفته شده است. مطابق این شیوه برای رو و پشت نسخه‌های عربی پس از درج شماره برگه به ترتیب از حروف «أ» و «ب» و برای نسخه‌های فارسی از حروف «ر» و «پ» استفاده می‌شود.

**ب. صفحه‌شمار:** این شماره از نخستین صفحه نسخه تا پایان آن به هر کدام از صفحات اختصاص می‌یابد.

**۵. شماره‌گذاری برگه‌های آزاد:** این شماره به برگه‌های آزاد نسخه اختصاص می‌یابد که پیش از آغاز متن و پس از پایان آن قرار دارند. برای تفکیک این شماره‌ها از شماره‌های متن، برای شمارش این صفحات از حروف الفبا استفاده می‌شود. در این کار برای نسخه‌های فارسی از حروف «أ، ب، پ، ت ...» و برای نسخه‌های عربی از حروف «أ، ب، ت، ث» استفاده می‌شود.

■